



## از خلاصة التواریخ

### تا خلاصة البلدان

در دو مقاله متوالی از ماهنامه تحقیقی گوهر سال دوم به معرفی کتاب کمیاب خلاصة البلدان از روی تنها نسخه‌ای که بدست آمده بود پرداخته و چنین گفته شد که صفی‌الدین محمد هاشم حسینی (ضوی قمی) به درخواست یکی از معاصران خود «احادیثی را که در باب شرافت تربت و تحریر بر سکونت قم از ائمه طاهرين روایت شده بود گرد آورد و به زبان فارسی ترجمه کرده تا عوام آن را دریابند.» و این کار را به همان نحوی که در مقدمه نسخه بیان کرده انجام داد. و بنابه وعده آن را خلاصة البلدان نامیده است.

پس او صفی‌الدین محمد حسینی موسوی این اثر پدر را با استفاده از مطالب مندرج در ترجمه تاریخ قم معروف و افزودن برخی اطلاعات و تجربیات شخصی خود در زندگانی و نقل باره‌ای موضوعات از مجالس المؤمنین و مراجع دیگری توسعه بخشیده و به صورت کتابی سودمند در آورده است. این مواد را طوری بهم آمیخته و در قالب تألیفی ریخته است که اگر اشاره او در موقع ذکر سلسله نسب خانوادگی به نام خود پیش از نام پدر نبود لازم می‌آمد که سراسر خلاصة البلدان را تألیف صفی‌الدین محمد هاشم بدانیم. شیخ محمد علی کچوئی ادرستانی مقیم قم در کتاب انوار المشمشین که قریب هفتاد سال پیش نوشته شده و به چاپ رسیده است نام خلاصة البلدان را در ضمن اسامی مأخذ کار خود برده ولی از مطابقت این دواثر با یکدیگر نمیتوان دریافت که کچوئی مطلب قابل ذکر از دهها موضوع تاریخی و جغرافیائی که اختصاص به خلاصة البلدان دارد چیزی بر گرفته باشد. بدین نظر در مقاله ماهنامه تحقیقی

❦ آقای استاد سید محمد محیط طباطبائی، از محققان و پژوهندگان طراز اول کشور.

گوهر بادآوری شد که از این اثر موجود، پیش از معرفی در ماهنامه تحقیقی گوهر، از پژوهندگان تاریخ قم کسی هنوز استفاده‌ای نکرده بود. نویسنده فاضل آقای سید محمد حسین مدرسی طباطبائی یزدی مقیم قم در کتاب جامع و سودمندی که راجع به «مآخذ تحقیق در باره قم» اخیراً انتشار داده‌اند در ضمن استناد به مندرجات گوهر، بدآنچه کچوئی در باره این کتاب نوشته اعتماد کرده‌اند و هر جا که آن مقاله با قول او موافق نبوده است مورد اختلاف و تحقیق را نادیده گرفته‌اند، در صورتیکه غوررسی منقولات کچوئی، نارسائی اطلاع او را بر موضوعات و مختصات خلاصه البلدان به وضوح نشان می‌دهد و ایکاش فاضل قمشناس مطالب ماهنامه تحقیقی گوهر را با آنچه که از انوار المشعشعین گرفته شده، مشوب نمیساختند و مثلاً به همین یک مورد از سنجش اکتفا میکردند که صفی‌الدین محمد پسر صفی‌الدین محمد هاشم هنگام شرح مسافرت اکتشافی خود به غار نیاسر کاشان، از شاه عباس ثانی و میرزا مهدی اعتماد الدوله او مانند دو شخص زنده جالس بر اورنگ سلطنت و مسند وزارت سخن می‌گوید و این خود بی‌اعتباری سال ۱۰۷۹ را که کچوئی برای تألیف خلاصه البلدان قید کرده نشان می‌دهد. چه، شاه عباس ثانی پیش از این تاریخ، جای خود را به شاه صفی دوم یا شاه سلیمان سپرده بود.

از قرار معلوم کچوئی مطالب انوار المشعشعین خود را بعد از اتمام تألیف انوار به قالب کتاب دیگری به عربی موسوم به تحفة الفاطمیه، ریخته و چنانکه در کتاب «مآخذ تحقیق در باره قم» از آن نقل شده است، نام خلاصه البلدان را بار دیگر در پایان اسامی مآخذ کار خود برده و به این نکته توجه نکرده است که خلاصه البلدان را در ضمن اسامی مصادر از حیث ترتیب و اهمیت باید بعد از نام تاریخ قم و یا لا اقل در دیباچه تحفة فاطمیه پس از کتاب امیر منشی در اخبار قم بیاورد به علاوه از این نکته هم غفلت ورزیده است که کتاب «احادیث وارد در شرافت قم» تألیف صفی‌الدین محمد بن محمد بن هاشم الحسینی که در این اثر یاد کرده نمیتواند اثری جز بخش نخستین و اصلی از خلاصه البلدان باشد که به صفی‌الدین محمد پسر صفی‌الدین محمد، مکمل اثر صفی‌الدین محمد هاشم نسبت داده است و این صفی‌الدین همان سید محمدی است که کلیشه صورت تطبیق نسخه وافی جد و پسرش، از روی نسخه‌ای که کتابفروشی مستوفی طهران در اختیار ما نهاده بود، در ماهنامه تحقیقی گوهر انتشار یافت و مورد استفاده آقای مدرسی هم در کتاب معهود قرار گرفت. مگر اینکه فرض کنیم سید محمد همان طوری که لقب صفی‌الدین خانوادگی را پس از پدر (همچون پدر از نیا) به میراث برده است خلاصه البلدان جد و پدر را هم ارث تألیفی خویش شمرده و به سلیقه شخصی در آن دست تصرف برده باشد و فرضاً این همان نسخه‌ای باشد که کچوئی به طور مستقیم یا غیر مستقیم از وجود آن آگاه شده و در تحفة فاطمیه و انوار خود نام برده است.

ضمن اسامی کتابهایی که در فهرست «مآخذ تحقیق راجع به قم» آمده است، از رساله

«احوال و مفاخر و مناقب شهر قم» تألیف امیرمنشی، به نقل از ریاض العلماء افندی و مراجع دیگری که به نقل آن از ریاض سبقت نقل داشته اند ذکر کرده است ولی بدانچه کچوئی در مقدمه تحفة الفاطمیه از این اثر ذکر کرده است ابدأ توجهی نرفته و گوئی به اعتبار آنکه کچوئی مطلب را از کتابهای حاجی میرزا حسین نوری برگرفته و به خود ریاض العلماء دسترسی نداشته نقل او را، در ضمن مدارك و مأخذ تحقیق راجع به قم، قابل اشاره ندیده اند.

\* \* \*

ذکر نام امیر منشی پدر قاضی احمد مؤلف خلاصه التواریخ، ونسبت دادن کتابی در احوال و مفاخر قم بدو و نقل مطلبی از آن در ریاض العلماء قرینه به دست میدهد که این اثر منسوب به امیرمنشی در دست میرزا عبدالله افندی بوده است. میرزا عبدالله مؤلف ریاض العلماء با صفی الدین محمد پسر صفی الدین محمد و نبیره صفی الدین محمد هاشم مؤلف خلاصه البلدان که هر دو در سال ۱۰۹۱ بنا به شهادت تطبیق وافی با نسخه علم الهدی، در قید حیات بوده، در یک عصر میزیسته اند و تعجب در این است که مؤلف ریاض العلماء، از کتاب امیر منشی «در اخبار و مناقب قم» یاد میکند ولی مؤلف خلاصه البلدان در تاریخ و جغرافیای مخصوص به قم از این اثر جد خود نامی نمبرند در صورتیکه نام او و پسر و پدر که هر دو میر احمد قاضی بوده اند در خلاصه البلدان وارد است.

برای مزید توضیح این مطلب باید به معرفی بیشتری از امیرمنشی پرداخت.

امیرمنشی قمی بنابدانچه ناشر فاضل گلستان هنر در مقدمه چاپ این کتاب آورده شرف-الدین حسین حسینی از مردم قم بوده که فرزندش قاضی میر احمد مؤلف خلاصه التواریخ، در فصل اول از گلستان هنر اثر دیگر خود که به ذکر احوال خوشنویسان اختصاص داده از او ترجمه حالی مجمل و جامع نوشته است. پسر امیرمنشی میر احمد از روزگار آق قویونلو تا دوران سلطنت شاه طهماسب صفوی قاضی بزرگ شهر قم و توابع بود. و پسرش حسین از دختر قاضی شرف الدین عبدالمجید قمی همسر قاضی میر احمد در سال ۹۱۴ هجری به دنیا آمده است. شرف الدین حسین گوئی لقب شرف را با منصب افضی القضانی از عبدالمجید جد مادری خود که مردی متشخص و متعین بوده به میراث برده است. او که در کسب فضل و کمال به درجه عالی رسیده و در اقسام خطوط دیوانی و اعمال سیاق و دفتر داری شهرت کامل یافت به روزگار پادشاهی شاه طهماسب در خدمات استیفا و انشاء و وزارت مورد وثوق و توجه شاهی قرار گرفت و به امیرمنشی ملقب گردید. سرانجام به عمر هفتاد و شش سالگی مسرد و در آستانه حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. پسرش میر احمد که در گلستان هنر از فضایل و کمالات پدر نیکو

۱- دوست سخنور و خردمند ما آقای احمد سهیلی این چاپ را با مقدمه فاضلانهای

انتشار داده اند.

سخن گفته، به تألیف کتابی در اخبار و مناقب قم از طرف پدر، اشاره‌ای نکرده است. در صورتیکه گلستان هنر بنا به آنچه در مقدمه ناشر مورد تتبع واقع شده چند سال بعد از مرگ میرمنشی به صورت کامل خود در آمده و بایستی بدینگونه مسائل مربوط به ترجمه احوال میر اشاره‌ای داشته باشد. در این صورت انتساب کتاب اخبار و مناقب قم بدو در ریاض العلماء مشکلی را به وجود می‌آورد که آقای مددسی طباطبائی برای حل آن فرض انتساب آن اخبار و مناقب را به قاضی میراحمد پسرش، پیش کشیده‌اند و از مدلول نامه‌ای که میراحمد قاضی به یکی از اهالی دهات توابع قم نوشته و به مناقب قم اشاره‌ای داشته، استناد جسته‌اند.

این مشکل قدری بنظر پیچیده‌تر می‌رسد وقتی مینگریم صفی‌الدین محمد هاشم یا پسرش صفی‌الدین محمد و یا به گفته کچوئی نبیره اش صفی‌الدین محمد که از احفاد میرمنشی بوده‌اند در خلاصه البلدان از این رساله جد خود سخنی در میان نیاورده‌اند.

قرینه لفظی و معنوی چنین القا میکند که خلاصه البلدان مانند معجم البلدان یا مرآت البلدان یا آثار البلاد، بایستی کتابی شامل غالب اسامی شهرها و کشورها باشد و اختصاص آن به اسم کتابی که در آن تنها از قم و توابع و مکه و مدینه و نجف و کربلا ذکری رفته باشد و حتی از مشهد و طوس و کاظمین و بغداد و سرمن رأی که از مشاهد و مزارات شیعه محسوب می‌شده‌اند، ذکری در میان نیاورده است با چنین اسم جامع و شاملی تناسب ندارد. مگر اینکه فرض کنیم همانطور که خلاصه التواریخ جدش قاضی میراحمد در صورت حاضر آن به تاریخ صفویه در جلد موجود از آن اختصاص و انحصار یافته، خلاصه البلدان هم از شهرهای جهان، به بلده قم و توابع آن مخصوص مانده و در ذکر چند شهر دیگر هم مطلب از توصیف جنبه مذهبی آنها تجاوز نکرده است و این نامگذاری نارسا و ناقص گوئی تقلید گونه‌ای از عمل نیای ایشان در نوشتن خلاصه التواریخ بوده که فی الواقع جزء تاریخ صفویه آن در دسترس عمومی نهاده شده و یا آنکه وجود داشته و از میان رفته است.

خلاصه البلدان درباره انساب علویان شهر قم پس از نقل آنچه که از تاریخ قم معروف برگرفته، در موقع ذکر نسب اولاد ابوالحسین علی ملقب به برطله، از احفاد حضرت امام زین‌العابدین، از پیش خود مطالبی بدین شرح بر آن افزوده است:

«چون ابوالحسین علی ملقب به برطله به موجب شجره نامه منقواه از کتاب بیان الانساب ابوالنعمان احمد بن محمد بن عیسی الحسنی النسابة و مبسوط شیخ فخرالدین و سرالنسب ابوالنضر بخاری و دیوان النسب و عنوان الحسب امیر عبدالقادر نسابة و بحر المحيط سید رضی الدین محمد نقیب و عمدة الطالب جمال الدین احمد بن عینیة الحسنی که بخط و مهر علی بن عبدالحسین الحسنی النسابة و سرکشیک روضه مقدسه حسینیه، و شیخ الجلیل شیخ احمد نسابة و خادم مدینه مشرفه، و شیخ نورالدین محمد نسابة، و محمد بن معتبه الحسنی و

غیرهم مزین گردیده و نزد اولاد ضبط است، جد این سلسله است. مناسبت دارد که ذکر نسب خود و اسامی اجداد و آباء کرام در این موضع بشود.

سلسله نسب این فقیر بر این وجه باشد که مذکور میگردد:

صفی‌الدین محمد بن محمد هاشم‌الحسینی‌الموسوی که ایشان هم از والد ماجد و هم از جانب والده ماجده هردو به معصوم مهرسند. والده ماجده ایشان صبیبه عالیجاه مرحمت و غفران پناه کریماً فی عصره امیر محمد هاشم موسوی قمی بوده ابن‌السید امیر صفی‌الدین محمد‌الحسینی‌رضوی (که والده ماجده ایشان صبیبه عالیجاه مرحمت و مغفرت پناه امیر سیدعلی‌الرضوی بوده) ابن‌امیر نظام‌الدین احمد الشهیر به قاضی (که والده ایشان صبیبه عالیحضرت غفران پناه آقا حسین مالک باغ زاویه حسینیّه بوده) ابن‌امیر شرف‌الدین حسین الشهیر به میرمنشی (که والده ایشان صبیبه عالیحضرت مرحمت و مغفرت و شریعت پناه قاضی شرف‌الدین عبدالمجید بوده) ابن‌امیر سید احمد (که در زمان سلاطین ترکمان و بعد از آن در ایام دولت خاقان گیتی ستان و جنت مکان شاه طهماسب انارالله برهانه افضی‌القضاتی دارالمؤمنین قم و توابع آن بدو مفوض بوده و مبلغهای کلی سیورغال داشته ابن‌سید نعیم‌الدین ابن‌امیر نعمت‌الله بن‌ذین‌الدین سیدعلی ابن‌سید جمال‌الدین علی ابن‌السید الاجل العالم الفاضل صاحب الکرامات البهیه والمقامات العلیه امیر سید حسین (که به زیور علم و تقوی محلی و به مستجاب الدعوه معروف بوده) ابن‌سید رضی‌الدین محمد (که چندی در قصبه شریفه آبه میبوده و عمارات مشهد مقدس غروی مرتضوی صلوات‌الله و سلامه علی مقدسها به تولیت او در زمان سلطان شیخ ادیس ساخته شده و اسم شریفش در کتیبه‌های آن عمارات مسطور و منقوش است) ابن‌السید الاجل الافضل العلامة سید شمس‌الدین محمد الشهیر بشریف‌المکی (که صاحب تقدم و ریاست و جلالت بود و به اتفاق علامه حلی در زمان سلطان سعید الجاینو سلطان محمد خدای بنده با علمای آن عصر بحث کرده مذهب حق ائمه اثنی عشر ثابت و مقرر شد که در ممالک محروسه خطبه اثنی عشری بخوانند و سکه به نام ائمه هدی مزین گردد و از آن عصر الی الان الحمد لله که آن ذکر باقی مانده) ابن‌امیر شرف‌الدین علی بن‌سید تاج‌الدین محمد بن سید حسین بن زید بن داعی بن زید بن سیدعلی بن‌ابی‌محمد الحسن کرفسه بن‌ابی‌الحسین علی‌الملقب بالبرطله بن‌سید حسین بن سیدعلی بن عمر النقیب بن حسن الافطس بن‌ابی‌الحسین علی الاصفهانی امام زین‌العابدین علیه السلام.»

مانده دارد